

او سودابه نمونه‌ی شومی و بدبختی موجودی آلوده و پرگناه است.<sup>(۳)</sup> در کتاب جاذبه‌های فکری فردوسی در فصل «مقام زن» می‌خوانیم: «اگر فردوسی مثلاً زن و ازدها را با هم یکی می‌داند همان زنی است که قرآن مجید تعبیر بسیار جالبی از او دارد: وَ مِنْ شَرِّ الْفَأْتَاتِ فِي الْعَقْدِ»<sup>(۴)</sup> مؤلف راز بقای ایران در سخن فردوسی پس از نقل چند بیت که آخرین آنها «زن و ازدها هر دو در خاک...» است، نوشته‌اند: «معمولاً بیت اخیر را بعضی مردان می‌خوانند، اما همان مردان در آن لحظات، بیت پیشین را به دست فراموشی می‌سپزند، شنونده هم خیال می‌کند که نظر فردوسی در همین بیت اخیر است.»<sup>(۵)</sup> در کتاب زن در شعر فارسی آمده است: «در جایی رستم، زن و ازدها را کنار هم قرار می‌دهد و هر دوی آنها را ناپاک می‌داند که شایسته‌ی مرگ هستند.»<sup>(۶)</sup> دکتر باستانی پاریزی در فصل «گذاری با زن از گذار زندگی» از کتاب سنگ هفت قلم با توجه به همین بیت معتقدند: «حتی در مورد مناسبات زن و شوهری نیز فردوسی وحشتش بر تهورش می‌چربید که گاهی از زن به‌عنوان ازدها یاد می‌کرد.»<sup>(۷)</sup>

نویسنده‌ی مقاله «زن در شاهنامه‌ی فردوسی» به خوانندگان تذکر می‌دهند که «اگر جایی در خلال شاهنامه بخوانند: زن و ازدها هر دو... باید همه حکایت را مطالعه کنند تا خود با نکهوش دیوی فرشته‌روی با استاد طوس همداستان گردند.»<sup>(۸)</sup> در مقاله‌ای دیگر هم نویسنده با استناد به این بیت و دو بیت ماقبل آن به این نتیجه رسیده‌اند که در شاهنامه: «درباره‌ی زنان هم اگر ناپارسای می‌شدند

سالهاست که در بعضی پژوهش‌ها و مصاحبه‌های شاهنامه‌شناسی، بیتی معروف دستاویز داوری و نتیجه‌گیری درباره‌ی موضوع «زن در شاهنامه» قرار گرفته است و می‌گیرد:

زن و ازدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این (زین) هر دو ناپاک به

برای نمونه: یکی از شاهنامه‌پژوهان با استناد به این بیت و دو بیت پیش از آن نوشته‌اند: «گزاینده‌تر و تندتر سخنی که در شاهنامه از خامه‌ی فردوسی در حق زن نقش صفحه شده است، در این داستان [داستان سیاوش] است» و درباره‌ی بیت سوم از آن ابیات یا همان بیت مورد بحث معتقدند: «اگر در بیت سوم حکمی تند و سخنی گست و تلخ نهفته است، باز از آن مقدمات ناروا [نابکاری‌های سودابه] ناشی است و قابلیت توجیه دارد.»<sup>(۱)</sup> در کتابی علمی تحقیقی که در اصل برای درس ادبیات حماسی در دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی تألیف شده، این بیت یکی از مستندات برخوردارهای تند و خشن فردوسی با زنان است.<sup>(۲)</sup>

در کتاب ارسال المثل در شاهنامه پس از ذکر این بیت، آمده است: «بیت فوق نفرینی است که فردوسی در ابتدای داستان سودابه و سیاوش بیان می‌کند و از منظر

سجاد آیدنلو

# ابن بیت از فردوسی است



یا خطایی از آنان سر می‌زد به همین کیفیت اظهار نفرت و بی‌زاری می‌شد.<sup>(۹)</sup> مرحوم احمد شاملو در گفت‌وگویی با مجله‌ی آدینه تصریح کرده‌اند که: «در شاهنامه زن و اژدها هر دو ناپاک به قلم می‌روند و لایق فرورفتن در خاک شمرده می‌شوند و هر سگی به صد زن و آن هم نه هر زن از خدا بی‌خبر بلکه به‌طور دقیق به صد زن پارسا ترجیح داده می‌شود.»<sup>(۱۰)</sup> یکی از شارحان شاهنامه نیز در مصاحبه‌ای گفته‌اند: «کاراکتر مرد شاهنامه می‌تواند... زن را ناپاک و نیرنگ‌باز بداند (زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به)»<sup>(۱۱)</sup>

در جدیدترین پژوهشی هم که در موضوع «زن در شاهنامه» منتشر شده، درباره‌ی جایگاه بانوان در حماسه‌ی ملی ایران می‌خوانیم: «و چه زیبا چکیده‌ی تفکر در باب زنان در بیتی خلاصه شده است: زن و اژدها هر دو در خاک به...»<sup>(۱۲)</sup>

با ملاحظه‌ی شهرت و رواج این بیت به نام فردوسی در میان خواص و پژوهشگران که شاید با کاوشی بیشتر بر شمار شواهد آن نیز افزوده شود طبیعی است که در بین خوانندگان و علاقه‌مندان شاهنامه و به‌طور کلی عامه‌ی مردم، بیت «زن و اژدها هر دو...» از ابیات اصیل شاهنامه و نظرگاه رسمی فردوسی درباره‌ی زنان تلقی شود، چنانکه غیر از گفت‌وگوهای شفاهی در برخی از یادداشت‌ها و نوشته‌های اینترنتی نیز این بیت به نام فردوسی مبنای بحث و بررسی واقع شده است که خود می‌تواند عامل مهمی در تقویت و تثبیت انتساب آن به شاهنامه در ذهن و زبان مراجعان و خوانندگان غیرمتخصص باشد.

در شماری از چاپ‌های شاهنامه از جمله: کلکته، چاپ سنگی بمبئی (۱۲۷۶ ه. ق.)، شاهنامه‌ی امیربهادری، کلاله‌ی خاور، شاهنامه‌ی انتشارات ایران باستان، چاپ انتشارات امیرکبیر و چاپ دکتر دبیرسیاکی، در داستان سیاوش و به هنگام آماده شدن شاهزاده برای عبور از آتش آزمون، پس از این چهار بیت اصلی:

نهادند هیزم دو کوه بلند  
شمارش گذر کرد بر چون و چند  
ز دور از دو فرسنگ هر کس بدید  
چنین جُست باید بلا را کلید  
همی خواست دیدن در راستی  
ز کار زن آید همه کاستی  
چون این داستان سر به سر بشنوی  
به آید تو را گر به زن نگروی  
(خالقی ۲۳۴/۲-۴۷۳-۴۷۶)

دو بیت زیر آمده است:

به گیتی بجز پارسا زن مجوی  
زن بد کنش خواری آرد به روی  
زن و اژدها هر دو در خاک به  
جهان پاک از این (زین) هر دو ناپاک به<sup>(۱۳)</sup>

و از همین جاست که بیت دوم به‌عنوان نظر زن‌ستیزانه‌ی فردوسی بر زبانها افتاده و حتی در پژوهش‌های علمی و رسمی نیز راه یافته است، در حالی که در هیچ یک از ۱۵ دستنویس معتبر و کهن شاهنامه که پایه‌ی تصحیح علمی انتقادی دکتر خالقی مطلق بوده‌اند<sup>(۱۴)</sup> و نیز دو نسخه‌ی حاشیه‌ی ظفرنامه مستوفی (قرن هشتم ه. ق) و سعدلو / چاپ عکسی دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (احتمالاً متعلق به قرن هشتم ه. ق) این بیت در بخش مربوط از داستان سیاوش دیده نمی‌شود.<sup>(۱۵)</sup> در «اختیارات شاهنامه» علی‌بن احمد (تدوین ۴۷۴ یا طبق نظری ۵۷۴ ه. ق) هم که چند بیت از ابیات نکوهش زنان در شاهنامه آمده است،<sup>(۱۶)</sup> این بیت وجود ندارد و به احتمال بسیار اگر در نسخه‌ی بسیار کهن مورد استفاده‌ی وی چنین بیتی بود به دلیل شدت و برجستگی خوار داشت، آنرا در کنار چند بیت دیگر ذکر می‌کرد.<sup>(۱۷)</sup> به عنوان قرینه‌ای فرعی این نکته را هم باید در نظر داشت که سنایی در حدیقه آنجا که «اندر مذمت دختر» به سخنی از فردوسی استناد کرده، گفته است:

چه نکو گفت آن بزرگ استاد  
که وی افکند شعر را بنیاد  
کان که را دختر است جای پسر  
گرچه شاهست، هست بد اختر<sup>(۱۸)</sup>

که منظور او این بیت از زبان افراسیاب در داستان بیژن و منیژه است:

که را از پس پرده دختر بود  
اگر تاج دارد بد اختر بود

(خالقی ۲۳۵/۳-۲۲۲/۳)

در صورتی که با توجه به چند بیتی که وی در طعن و سرزنش دختران سروده (صص ۶۵۷ و ۶۵۸) اگر در شاهنامه مورد اختیار خویش که دستنویسی قدیمی و متعلق به پیش از (۵۲۵ ه. ق) بوده بیت درشت و کوبنده‌ای چون: «زن و اژدها هر دو...» راه می‌یافت، بی‌گمان بدان اشاره می‌کرد تا بار و پشتوانه‌ی مذمت خود را سنگین‌تر کرده باشد.

علاوه بر این اسناد و قراین نسخه‌شناسی، در هیچ یک از چاپ‌های معتبر شاهنامه هم مانند: تصحیح ژول مول، چاپ مسکو، داستان سیاوش بنیاد شاهنامه‌پژوهی،

با ملاحظه‌ی شهرت و رواج این بیت به نام فردوسی در میان خواص و پژوهشگران که شاید با کاوشی بیشتر بر شمار شواهد آن نیز افزوده شود طبیعی است که در بین خوانندگان و علاقه‌مندان شاهنامه و به‌طور کلی عامه‌ی مردم، بیت «زن و اژدها هر دو...» از ابیات اصیل شاهنامه و نظرگاه رسمی فردوسی درباره‌ی زنان تلقی شود

تصحیح آقای مصطفی جیحونی و چاپ دکتر جلال خالقی مطلق این بیت نیامده است و همچنان که قبلاً نیز بعضی محققان به تأکید نوشته و گفته‌اند،<sup>(۱۹)</sup> بیت: «زن و ازدها هر دو در خاک به...» از سخیف‌ترین ابیاتی است که در تاریخ استنساخ و تصحیح شاهنامه به نام فردوسی جعل و الحاق شده است.

درباره‌ی زمان و عامل این جعل و الحاق نمی‌توان قاطعانه نظر داد، اما با توجه به اینکه بیت مورد بحث در ۱۵ دستنویس معتبر مبنای چاپ دکتر خالقی مطلق که متعلق به فاصله‌ی سالهای ۶۱۴ تا ۹۰۳ ه. ق. هستند و نیز دو نسخه‌ی سعدلو و حاشیه‌ی ظفرنامه، هر دو از قرن هشتم ه. ق. نیامده است، شاید از قرن نهم و اوایل سده‌ی دهم به بعد در برخی نسخ کم اعتبارتر شاهنامه افزوده شده و از آنجا به چند چاپ غیرمعتبر راه یافته است. زنده‌یاد علامه دهخدا در امثال و حکم<sup>(۲۰)</sup> پس از اسناد صورت معروف بیت: «زن و ازدها هر دو...» به فردوسی، در زیر آن افزوده‌اند: «تمثل: زن و ازدها هر دو در خاک به / وزین هر دو روی زمین پاک به (اسدی)»<sup>(۲۱)</sup> این بیت در متن گرشاسپ‌نامه اسدی توسی نیست و در نسخه‌ی اساس تصحیح شادروان استاد یغمایی، در داستان مکر همسر و دختر شاه کابل برای کشتن گرشاسپ و آشکار شدن راز آنها، به مناسبت ابیاتی که درباره‌ی زنان آمده، در حاشیه افزوده شده است.<sup>(۲۲)</sup> تاریخ کتابت این دستنویس ۸۶۰ ه. ق. است بر این اساس آیا می‌توان حدس زد که بیت مذکور با تغییری جزئی در مصراع دوم از این نسخه گرشاسپ‌نامه در بعضی دستنویس‌های شاهنامه (از قرن نهم و دهم به بعد) وارد شده باشد؟ در طول زمان، ابیات متعددی از گرشاسپ‌نامه در تعدادی از نسخ شاهنامه و به نام فردوسی راه یافته<sup>(۲۳)</sup> که اتفاقاً یکی از آنها نمونه‌ی دیگری در همین موضوع «نکوهش زنان» است:

زنان را از آن نام ناید بلند  
که پیوسته در خوردن و خفتند

(گرشاسپ‌نامه، ص ۱۰)

این بیت در نسخه‌های بریتانیا / لندن (۶۷۵ ه. ق.)، قاهره (۷۹۶) و برلین (۸۹۴) از زبان رستم به زال آمده (خالقی ۳۳۳/۱ حاشیه ۴) و از آنها در شماری از چاپ‌های شاهنامه وارد شده است، یا این بیت مشهور در توصیف تیزیابی اسب فرستاده‌ی اثرط.

پی مورچه بر پلاس سیاه  
بدیدی شب تیره صد میل راه

(گرشاسپ‌نامه، ص ۲۴۲)

که در سه دستنویس لنینگراد (۷۳۳ ه. ق.)، لیدن (۸۴۰) و انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹) با تغییراتی، درباره‌ی رخس رستم آمده (خالقی ۳۳۵/۱ حاشیه‌ی ۱۸) و حتی در برخی نوشته‌های تحقیقی نیز به نادرست از شاهنامه دانسته شده است:

به شب مورچه بر پلاس سیاه

نمودی به گوش (بدیدی به چشم) از دو فرسنگ راه  
اینکه بیتی از گرشاسپ‌نامه بعدها با تغییراتی به فردوسی نسبت داده شده، قرینه و شاهد قابل توجهی برای تقویت حدس پیش گفته است که شاید بیت:

«زن و ازدها هر دو...» نیز از نسخه‌ی (۸۶۰ ه. ق.) گرشاسپ‌نامه با تفاوت و اختلافی اندک در مصراع دوم، وارد دستنویس‌هایی از شاهنامه شده باشد، ولی در هر صورت این بیت نه سروده‌ی فردوسی است و نه از اسدی توسی، چون در نسخه‌ی اساس گرشاسپ‌نامه‌ی چاپ مرحوم یغمایی نیز بیت، بر افزوده و در هامش است و ایشان نیز به تبع آن، بیت را در حاشیه‌ی متن آورده‌اند. شهرت و رواج این بیت به اندازه‌ای بود و هست که علاوه بر کتابها، مقالات و مصاحبه‌های علمی، در «شعر» بزرگان و محققان معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه برای نمونه مرحوم استاد وحید دستگردی در منظومه‌ی «سرگذشت اردشیر بابکان» ضمن انتقاد از نظر پیشینیان درباره‌ی زن، از جمله به این بیت هم با ذکر صورت کامل آن در حاشیه و انتسابش به فردوسی اشاره کرده‌اند:

یکی گوید چون ازدرهای ناپاک

همان بهتر که پاک از زن شود خاک<sup>(۲۴)</sup>

دکتر قدمعلی سرامی نیز ظاهراً با قبول انتساب بیت به فردوسی، نپسندیده‌اند که بیتی این چنین از وی باشد که البته نیست.

الا رستم هفت‌خان سخن

نه مردی است دشنام گفتن به زن

زن و ازدها هر دو در خاک به؟

جهان پاک از این هر دو ناپاک به؟

نه، این بیت ناسخته آن تو نیست

نه این زخم تیغ زبان تو نیست

هنر را تو گوهر بسی سفته‌ای

بجا گفته‌ای هرچه را گفته‌ای

به مردی فرا رفته‌ای تا ستیغ

ندانسته‌ای ژرف زن را دریغ<sup>(۲۵)</sup>

در کتاب ریاض‌الحکایات تألیف آیت‌الله ملا

درباره‌ی زمان و عامل این جعل و الحاق نمی‌توان قاطعانه نظر داد، اما با توجه به اینکه بیت مورد بحث در ۱۵ دستنویس معتبر مبنای چاپ دکتر خالقی مطلق که متعلق به فاصله‌ی سالهای ۶۱۴ تا ۹۰۳ ه. ق. هستند و نیز دو نسخه‌ی سعدلو و حاشیه‌ی ظفرنامه، هر دو از قرن هشتم ه. ق. نیامده است، شاید از قرن نهم و اوایل سده‌ی دهم به بعد در برخی نسخ کم اعتبارتر شاهنامه افزوده شده و از آنجا به چند چاپ غیرمعتبر راه یافته است.

حیب‌الله شریف (وفات: ۱۳۴۰ ه‍.ق) باب «حکایات متعلقه به زنان» چنین آغاز می‌شود:

«زن و اژدها هر دو در خاک به

جهان پاک از این هر دو ناپاک به

گفته‌اند که شاعر مذکور چون این شعر را بگفت، زنی این خبر را برای زن شاعر آورد، چون به خانه آمد زن او چوبی به دست گرفته بر او حمله کرد، مرد گفت چه کرده‌ام؟ گفت چرا چنین شعری گفته و زنان را هجو نموده‌ای؟ گفت من چنین نگفتم بلکه گفته‌ام:

زن و اژدها هر دو پیغمبرند

فرستاده‌ی حضرت داوودند» (۲۶)

اگر دقت کنیم در این لطیفه‌ی ادبی، بیت به صراحت از فردوسی دانسته نشده، بلکه مؤلف تعبیر کلی «شاعر مذکور» و «شاعر» را به کار برده است، از این روی یا سراینده‌ی بیت برای او ناشناخته بوده و یا اینکه احتمالاً به رغم انتساب بیت به فردوسی در شاهنامه‌های زمان زندگی مؤلف یا در ذهن و زبان مردم آن دوران، او برای حفظ شأن و احترام فردوسی، به عمد نام وی را به‌عنوان گوینده‌ی بیت و شخصیت این حکایت ذکر نکرده است تا شاید به گمان خویش ساحت حکیم توس را از چنین لغزش‌هایی مبرا کرده باشد.

بیت موهن دیگری که در بحث «زن و شاهنامه» گاهی از جمله همان‌گونه که در مصاحبه‌ی شادروان شاملو می‌بینیم به فردوسی نسبت داده می‌شود، این است:

زنان را ستایی سگان را ستایی

که یک سگ به از صد زن پارسای

زنده‌یاد ده‌خدا این بیت را نیز در امثال و حکم (همان، ج ۲، ص ۹۱۹۱) به نام فردوسی آورده‌اند و پیش از آن، در لغت‌شهنامه‌ی عبدالقادر بغدادی (تألیف: ۱۰۶۷ ه‍.ق)

هم بیت به‌عنوان شاهد واژه‌ی «ستا» آمده است (۲۷) و فراهم‌آورندگان متن آن را به‌درستی جزو بیت‌هایی آورده‌اند که گوینده‌ی آنها معلوم نیست (ص ۶۳۴).

نگارنده در حد جست‌وجوهای خویش این بیت را در متن و نسخه‌ی بدل‌های چاپ‌های معتبر شاهنامه ندیده است و آقای خطیبی نیز آن را در هیچ یک از چاپ‌های شاهنامه نیافته‌اند. (۲۸) اما با توجه به بیتی از جامی شاید در نسخه‌ای از شاهنامه که در قرن نهم مورد استفاده‌ی وی بوده، این بیت وجود داشته و یا حداقل در زمان و مکان زندگی او به نام فردوسی مشهور بوده است. جامی در حکایت «سلیمان و بلقیس» از منظومه‌ی «سلامان و ایسال» گفته است:

خواجه فردوسی که دانی بخردش





پایه‌های باور خویش را استوارتر و مقبولیت عمومی آن‌را بیشتر کنند.

نکته‌ی مهمی که یادآوری آن لازم می‌نماید این است که درباره‌ی دو بیت مورد بحث در این یادداشت و ابیات مشابه نباید دو موضوع «اشتهار» و «قطعیت انتساب» به فردوسی را درهم آمیخت،<sup>(۳۰)</sup> بدین معنی که در حافظه‌ی شعری بعضی از ایرانیان (اعم از خواص و عوام) این دو بیت وجود دارد و به هر حال جهان‌بینی پاره‌ای از مردان ایرانی را در مقطعی از تاریخ اندیشه‌ی این سرزمین نشان می‌دهد، اما نامبرداری و رواج ابیات به نام فردوسی هرگز دلیل انتساب قطعی آنها به وی نیست و اصالت یا الحاقی بودن بیت‌ها و به تبع آن، نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر آنها نیازمند دلایلی غیر از شهرت انتساب و تداول در حافظه‌ی عمومی جامعه است. نمونه‌های دیگر این اصل، دو بیت بسیار معروف زیر است که برخلاف اشتهار آنها به نام فردوسی حتی در میان برخی از ادبا و پژوهشگران بیت نخست یقیناً و بیت دوم، به احتمال بسیار الحاقی و سروده‌ی دیگران است.

چو ایران نباشد تن من مباد  
بر این بوم و بر زنده یک تن مباد<sup>(۳۱)</sup>  
بسی رنج بردم در این سال سی  
عجم زنده کردم بدین پارسی<sup>(۳۲)</sup>  
پی‌نوشت

بر زن نیک است نفرین بدش<sup>(۲۹)</sup>  
از آنجایی که وی «نفرین بد» فردوسی را بر «زن نیک» دانسته و در میان سروده‌های اصلی فردوسی در نکوهش زنان به مناسبت روند و شرایط داستان بیتی نیست که در آن فردوسی «زن نیک» را نفرین و سرزنش کرده باشد، به احتمال بسیار به بیت مجعول و الحاقی یاد شده توجه داشته که ناظم آن، «صد زن پارسا» را فروتر از «یک سگ» شمرده است و گویا مراد جامی نیز از «زن نیک» و «نفرین بد» به ترتیب همین «زن پارسا» و «فروتر از سگ بودن» است.

هر دو بیت «زن و ازدها...» و «زنان را ستایی سگان را...» بر ساخته‌ی کوتاه‌نظری ناشناخته است که خواسته عقیده‌ی زن‌ستیزانه‌ی خویش یا باور عمومی و غالب محیط و دوره‌ی زندگانی‌اش را با انتساب به فردوسی، شهرت و مقبولیت بخشد و البته در این مقصود نیز تا حدودی توفیق یافته است، چون هنوز در جدیدترین پژوهش‌های علمی مربوط به «زن و شاهنامه» این بیت مبنای بحث و داوری درباره‌ی جهان‌بینی فردوسی قرار می‌گیرد. اهمیت نسبت دادن این دو بیت و اساساً هر اندیشه و بینش درست و نادرست دیگری به فردوسی به منظور تحکیم و ترویج آن به اندازه‌ای بوده است که نه تنها گوینده‌ی گمنام این دو بیت بلکه شاعران نامداری چون سنایی و جامی نیز با ارجاع به دو بیت از فردوسی در باب نکوهش زنان که البته یکی اصیل و آن دیگری کاملاً الحاقی است خواسته‌اند

نکته‌ی مهمی که یادآوری آن لازم می‌نماید این است که درباره‌ی دو بیت مورد بحث در این یادداشت و ابیات مشابه نباید دو موضوع «اشتهار» و «قطعیت انتساب» به فردوسی را درهم آمیخت، نامبرداری و رواج ابیات به نام فردوسی هرگز دلیل انتساب قطعی آنها به وی نیست و اصالت یا الحاقی بودن بیت‌ها و به تبع آن، نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر آنها نیازمند دلایلی غیر از شهرت انتساب و تداول در حافظه‌ی عمومی جامعه است

● عنوان مقاله پیشتر بر سر یادداشت کوتاهی از دکتر جلیل دوستخواه نیز در همین موضوع آمده است که در ادامه بدان اشاره و استناد خواهد شد.

۱- ر.ک: سیدمحمد دبیرسیاقی، **چهره‌ی زن در شاهنامه**، فردوسی و شاهنامه (مجموعه‌ی سی‌وشش گفتار)، به کوشش علی دهباشی، انتشارات مدبر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۹۱۵۰.

۲- ر.ک: حسین رزمجو، **قلمرو ادبیات حماسی ایران**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۲۰ و برای نقد این ارجاع و استناد ر.ک: سجاد آیدنلو، «سیری در قلمرو ادب حماسی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره‌ی ۶۷، اردی‌بهشت ۸۲، ص ۹۷.

۳- ر.ک: علیرضا منصور مؤید، **ارسال‌المثل در شاهنامه‌ی فردوسی**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۷۴، به مناسبت ذکر این بیت جزو امثال شاهنامه باید یادآوری کرد که در امثال و حکم مرحوم علامه دهخدا نیز بیت به نام فردوسی ثبت شده است. ر.ک امثال و حکم، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۲۷.

۴- ر.ک: احمد رنجبر، **جاذبه‌های فکری فردوسی**، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰.

۵- ر.ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، **راز بقای ایران در سخن فردوسی**، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۹، ص ۱۹۸.

۶- ر.ک: زینب یزدانی، **زن در شعر فارسی (دیروز امروز)**، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸، ص ۶۲.

۷- ر.ک: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، **سنگ هفت قلم**، نشر

علم، چاپ سوم، ۱۳۶۹، ص ۱۶۲.

۸- ر.ک: ابوتراب رازانی، **زن در شاهنامه‌ی فردوسی**، سخنرانی‌های سومین دوره‌ی جلسات سخنرانی و بحث درباره‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ص ۱۰۹.

۹- ر.ک: احمد محمدی، **سیمای زن در ادب حماسی و اساطیری ایران**، پیرامون ادبیات (۲) (گزیده‌ی مقالات مجله‌ی فرهنگ و زندگی، ۱۳۴۸۱۳۵۶، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۱۰- ر.ک: آدینه، شماره‌ی ۷۲، مرداد ۱۳۷۱، ص ۱۷ و برای نقد آن، ر.ک: جلیل دوستخواه، **نقد یا نفی شاهنامه؟ تحلیلی انتقادی از یک برداشت**، حماسه‌ی ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، نشر آگه، ۱۳۸۰، ص ۲۵۶۲۶۱.

۱۱- ر.ک: مهری بهفر، **شاهنامه زن را انکار نمی‌کند**، کتاب هفته، شماره‌ی ۱۶ (پیاپی ۴۰۳)، ۲۴ شهریور ۸۰، ص ۱۳، به دنبال این اشاره دکتر دوستخواه در یادداشتی با نام «این بیت از فردوسی نیست» (کتاب هفته، شماره‌ی ۳۲ (پیاپی ۴۱۹) ۳ آذر ۸۰، ص ۲۹) الحاقی بودن این بیت را یادآور شدند که پاسخی از خانم بهفر نیز در پی داشت. ر.ک: **زن‌ستیزی در شاهنامه؟!**، کتاب هفته، شماره‌ی ۳۹ (پیاپی ۴۲۶)، ۲۲ دی ۸۰، ص ۳.

۱۲- ر.ک: مهری تلخایی، **شاهنامه و فمینیسم**، انتشارات ترفند، ۱۳۸۴، ص ۸۲، در ص ۱۰۰ این کتاب نیز بار دیگر بیت مذکور جزو ابیات زن‌ستیزانه‌ی شاهنامه آمده است.

۱۳- ر.ک: **شاهنامه** (چاپ بمبئی ۱۲۷۶ ق) تصحیح و توضیح



بازار کتاب تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰ - طبقه اول - کد پستی ۱۹۷۹۱۳۱۰۱  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰  
سایت: www.ketabsaz.com

دهخدا به اسدی توسی نسبت داده‌اند. ر.ک: **سیمای زن در فرهنگ ایران**، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳.

۲۲ - ر.ک: **گرشاسپنامه**، تصحیح حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم، ۱۳۱۷، ص ۲۶۰، حاشیه‌ی ۳.

۲۳ - دامنه‌ی این نفوذ و الحاق محدود به یک یا چند بیت نبوده است و گاهی کاتبان، داستان / داستانهای از **گرشاسپنامه** را به طور کامل به شاهنامه پیوسته‌اند. برای نمونه در دستنویس شاهنامه کتابخانه‌ی سلطنتی مادرید (۹۰۱ هـ ق) در بخش جمشید، داستان آشنایی جمشید با دختر شاه زابل از **گرشاسپنامه** اضافه شده است. در این باره ر.ک: جلال خالقی مطلق، «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، **گل رنجهای کهن**، به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.

۲۴ - ر.ک: جلال ستاری، «زن، تصویر تقدیر آدمی است»، **هویت ملی و هویت فرهنگی** (بسیست مقاله در قلمرو تاریخ و فرهنگ)، نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶.

۲۵ - ر.ک: زینب یزدانی، **زن در شعر فارسی**، همان، ص ۶۲ که این ابیات را از مجموعه شعر دکتر سرامی با نام از دو نقطه تا همه چیز، نشر میثانه، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹۱۹، باز آورده است.

۲۶ - ر.ک: **ریاض الحکایات**، آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریفی، انتشارات مرسل، کاشان، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ص ۴۵.

۲۷ - ر.ک: عبدالقادر بغدادی، **لغت شاهنامه**، تصحیح کارل گ. زالمان، ترجمه، توضیح و تعلیق: توفیق ه. سبحانی و علی رواقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰.

۲۸ - ر.ک: «بیت‌های زن‌ستیزانه در شاهنامه»، همان، ص ۲۲.

۲۹ - ر.ک: **سلامان و اِسال**، تصحیح محمد روشن، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.

۳۰ - یادآوری این نکته از آن روی است که خانم بهفر در پاسخ دکتر دوستخواه که بیت «زن و اژدها...» را الحاقی خوانده‌اند، نوشته‌اند: «ضرورت ذکر این بیت در بحث مربوط به یکی از نگاههای شاهنامه به «زن»، شهرت فراگیر آن نزد عموم است» ر.ک: «زن‌ستیزی در شاهنامه؟!»، **کتاب هفته**، همان.

۳۱ - برای اشاره‌ای درباره‌ی برساخته بودن این بیت، ر.ک: محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا): «شعرهای دخیل و تصحیف‌ها در شاهنامه»، **فردوسی‌نامه بهار**، به کوشش محمد گلبن، مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۵، ص ۱۶۵۱۶۶.

۳۲ - درباره‌ی الحاقی بودن این بیت، ر.ک: جلیل دوستخواه: «نقد یا نفی شاهنامه؟ تحلیلی انتقادی از یک برداشت»، همان، ص ۲۵۸، هم او: «شاهنامه‌شناسی در راه رهایی از آشوب»، **آشنا**، شماره‌ی ۲۹، خرداد و تیرماه ۱۳۷۵، ص ۲۲۲۳.

ملک‌الشعرا بهار، به کوشش علی میرانصاری، انتشارات اشتاد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹، **شاهنامه**، به کوشش محمد رمضانی، کلاله خاور، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۴۳۲، شاهنامه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۱، ص ۱۰۳، **شاهنامه**، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، انتشارات علمی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۸۲، بیت ۵۲۴ و برای نشانی بیت در سایر چاپ‌ها، ر.ک: ابوالفضل خطیبی، **بیت‌های زن‌ستیزانه در شاهنامه**، نشر دانش، شماره‌ی ۱۰۵، تابستان ۸۲، ص ۲۰.

۱۴ - برای معرفی و ارزیابی این نسخه‌ها، ر.ک: جلال خالقی مطلق، **گفتاری در شیوه‌ی تصحیح شاهنامه و معرفی دستنویس‌ها** (ضمیمه‌ی دفتر یکم، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۹).

۱۵ - برای دیدن ترتیب ابیات و کیفیت نسخه‌ی بدل‌ها، ر.ک: **شاهنامه‌ی فردوسی**، به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، بنیاد میراث ایران با همکاری بیبلیوتکا پرسیکا، کالیفرنیا و نیویورک، ۱۳۶۹، دفتر دوم / ص ۲۳۴، **ظفرنامه**، حمدالله مستوفی به انضمام شاهنامه‌ی فردوسی، به تصحیح حمدالله مستوفی، مرکز نشر دانشگاهی ایران و انتشارات آکادمی علوم اتریش، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۷، شاهنامه همراه با خمسه نظامی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳.

۱۶ - ر.ک: **اختیارات شاهنامه**، به انتخاب علی‌بن احمد، تصحیح: مصطفی جیحونی، محمد فشارکی، مرکز خراسان‌شناسی، مشهد، ۱۳۷۹، ص ۹۰ و ۹۱، بیت ۷۲۳۷۲۹.

۱۷ - نگارنده به این نکته توجه دارد که **اختیارات شاهنامه**، برگزیده‌ی ۲۴۱۷ بیت از کل شاهنامه است و بر این اساس بود و نبود بیت / ابیاتی در آن دلیل قطعی اصالت، یا برافزودگی آن بیت / ابیات نیست، ولی به هر حال این کتاب یکی از منابع فرعی مهم در مباحث متن‌شناسی شاهنامه است.

۱۸ - ر.ک: **حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه**، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ص ۶۵۸.

۱۹ - برای نمونه، ر.ک: طلعت بصاری، «زن در شاهنامه»، **رودکی**، شماره‌ی ۴۵، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۳، علیقلی محمودی بختیاری، **شاهنامه آبشخور عارفان**، نشر علم، ۱۳۷۷، ص ۲۴۲، جلیل دوستخواه، «این بیت از فردوسی نیست» همان، کتابیون مزداپور، «زن و مفهوم قدرت در شاهنامه»، **زن و فرهنگ** (مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید)، به کوشش محمد میرشکرایی، علی‌رضا حسن‌زاده، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۸۳۸۴، ابوالفضل خطیبی، «بیت‌های زن‌ستیزانه در شاهنامه»، همان، ص ۲۰ و ۲۴.

با وجود این اشارات، دلیل اینکه نگارنده بار دیگر به موضوع الحاقی بودن بیت «زن و اژدها هر دو...» پرداخته، عدم توجه و دقت بعضی از پژوهشگران به این نکته و استنادهای مکرر به آن، به نام فردوسی حتی چنانکه ذکر شد در تازه‌ترین تحقیقات است، از این روی نگارنده تکرار مستقل و مستند این بحث را برای روشن شدن و تثبیت واقعیت موضوع لازم دانست.

۲۰ - **امثال و حکم**، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۲۷.

۲۱ - دکتر جلال ستاری نیز این بیت را و شاید بر پایه‌ی قول مرحوم

• به آگاهی دست‌نویساران شاهنامه می‌رساند

این مقاله به اضافه‌ی نوزده مقاله‌ی دیگر در زمینه‌ی

شاهنامه پژوهی و اسطوره‌های ایرانی با عنوان **نارسینه تونج** از

سوی انتشارات نقش ماژا در دست نشر می‌باشد